

بررسی چرایی پیوستن جنگجویان خارجی به داعش

علی کریمی مله^۱

استاد علوم سیاسی دانشگاه مازندران

رضا گرشاسبی^۲

کارشناس ارشد علوم سیاسی دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول)

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۳/۰۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۰/۲۹



فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشی سیاسی جهان اسلام

۱۵۵

چکیده

داعش سیمای جمعیتی گروه‌های سنی جوان و فرامی‌را از نقاط مختلف جهان از جمله اروپا و امریکا بازنمایی می‌کند. اجتماع ساخت‌گرفته و مخرب داعش تا اندازه زیادی برآیندی از بسیج شتابان و جهانی جنگجویان خارجی از سراسر گیتی است. ورود جهادگرایان جهانی به دنیای اسلام و گرایش افراطی و مبارزه طلبانه آنان پدیده تازه‌ای نیست، اما میزان و روند سلسله‌وار و پیوسته این پدیده از یک سو، و کمیت بسیار فراوان جهادگرایان خارجی از سوی دیگر، بیانگر الگویی بی‌سابقه یا کم‌سابقه است؛ به گونه‌ای که می‌توان آن را - اگرنه مهم‌ترین عامل - دست‌کم یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین عوامل پایداری و قدرتمندی داعش به شمار آورد. نوشتار حاضر با روشهای توصیفی و علمی، فهم چرایی از جاکندگی این افراد از جوامع مدرن غربی و پیوستن به داعش و کنش‌گری در میدان‌های جنگی را هدف بررسی قرار داده است. با الهام از نظریه «داعنگ» اروینگ گافمن و «توتالیتاریسم» هانا آرن特، مقاله حاضر بر این فرض مبتنی است که این جنگجویان به دلیل سرخورده‌گی و داغ‌نگ و بحران هویت ناشی از پدیده اسلام‌هراسی در غرب، به منظور معنابخشی به خویشتن و رهایی از وضع اسفبار هویتی و حفظ و نمایش ارزش‌های خود، به داعش می‌پیوندند.

واژه‌های کلیدی: جنگجویان خارجی، داغ‌ننگ، اسلام‌هراسی، بحران معنا، داعش.

1. akm10@umz.ac.ir

2. kgarshasbi7@gmail.com

مقدمه

روند فعالیت‌های تروریستی - تکفیری در خاورمیانه از سال ۲۰۱۰ رو به فزونی نهاده است. معرف چنین الگوی رفتاری خشن و خطرناکی، گروه‌هایی نظیر داعش و جبهه النصره هستند که با تصرف بخش‌های وسیعی از مناطق سرزمینی در عراق و سوریه، موجودیت قلمرویی یافته‌اند و داعیه برقراری نظام خلافتی را در سر می‌پورانند. این فعالیت‌ها پدیده‌ای مهم یعنی جنگجویان خارجی را از سراسر جهان به سوی خود گسیل داشته و نظام بین‌الملل شاهد موج سترگ و خروشانی از جنگجویان خارجی است که با آغاز بیداری اسلامی در جهان عرب و تبدیل آن به جنگ داخلی در سوریه، بسیج شتابان و گسترده‌ای را در تاریخ جنبش‌های جهادی مدرن رقم زده است؛ به گونه‌ای که در کمتر از دو سال، سوریه به مقصدی ممتاز و آوردگاهی برجسته برای جهادگرایان جهانی تبدیل شده است.

پیوستن جنگجویان خارجی به جنگ‌های داخلی پدیده جدیدی نیست و نمونه‌های تاریخی متعددی را می‌توان برای آن برشمرد. از جمله جنگ داخلی اسپانیا و انقلاب امریکا (۱۸۳۵)، جنگ افغانستان در دهه ۸۰ میلادی، جنگ عراق در ۲۰۰۳، و جنگ روسیه و چچن در ۱۹۹۵؛ اما نمونه سوریه به‌ویژه در ابعاد و مقیاس و ماهیت و مشخصات جنگجویان متفاوت از همه آن‌هاست (بریگز و سیلورمن،^۱ ۲۰۱۴: ۸). جهادگرایان خارجی سرمایه‌های انسانی هستند که مزیتی وصف‌ناشدنی برای داعش به ارمغان آورده‌اند و ظرفیت و توانمندی این گروه را برای انجام و هدایت عملیات تروریستی در سراسر جهان افزایش داده‌اند و منجر به توسعه کلی خشونت‌ها و درگیری‌ها و درنتیجه ایجاد تهدیدی بالقوه برای امنیت و نظم بین‌المللی شده‌اند.

نفوذ ایدئولوژیک رزم‌آوران خارجی با خط‌مشی جهادگرایی در جهان اسلام از دهه ۷۰ میلادی آغاز شد و این رسوخ امروزه به بالاترین میزان خود رسیده و با روندی مستمر و متداول، گفتمانی تهدید‌آفرین و آشوب‌افکن را مفصل‌بندی کرده است. مشخصات این گروه از جنگجویان تا حدودی خارج از قاعده است که نسبت بزرگی از زنان و افراد جوان و تحصیل‌کرده و طبقه متوسط و ثروتمندان و روشنفکران و افراد متخصص با مدارک دانشگاهی را در بر می‌گیرد؛ اما نکته مهم اینکه در میان صفواف پیکارگران خارجی کمیت معنابه‌ای از



۱۵۶

پژوهشی
علمی- پژوهشی
پژوهشی سیاسی جهان اسلام

1. Rachel Briggs & Tanya Silverman

-
1. Richard Barrett
 2. Peter Neumann
 3. Mansouria Mokhefi

چهارچوب نظری

نظریه‌ها همانند نورافکنی می‌توانند به ایضاح زوایای مسئله پژوهش کمک کنند، لذا استفاده از برخی مبادی نظری می‌تواند به ما در تحلیل مسائل مربوط به سرخوردگی و بحران هویت و تلاش افراد برای رهایی از وضع موجود آزاردهنده جهت دستیابی به وضع مطلوب و معنامند یاری کند. در این راستا نوشتار حاضر تلاش دارد با بهره‌گیری از دو نظریه داغ ننگ اروینگ گافمن^۱ و توتالیتاریسم هانا آرن特^۲ به توضیح پیوستن جنگجویان خارجی به گروه داعش بپردازد.

DAG ننگ

DAG ننگ صفتی است با تأثیر بدنام‌کننده بسیار گسترده که بر اساس آن انسان عادی و کامل به انسانی ناقص و کمارزش تقلیل می‌یابد. این اصطلاح برای اشاره به صفت یا ویژگی‌هایی به کار می‌رود که به شدت بدنام‌کننده و یا ننگ‌آور است. نکته‌ای که باید مورد توجه قرار گیرد آن است که قدرت DAG زنی یک صفت نه در ذات خودش، بلکه ریشه در روابط اجتماعی دارد (گافمن، ۱۳۸۶: ۳۱-۳۲).

یک فرد DAG خورده همواره احساس می‌کند موقعیت‌های اجتماعی مختلط منشأ ایجاد تعاملات اضطراب‌آفرین و بی‌ثبات‌کننده است (گافمن، ۱۳۸۶: ۵۱). مهم‌ترین دغدغه ذهنی چنین فردی را اصل پذیرش شکل می‌دهد؛ چراکه سایرین در مراودات خود با فرد DAG خورده آن توجه و احترامی که لازمه جنبه‌های سالم هویت اجتماعی است و فرد همواره انتظار دریافت آنها را دارد، به وی ارزانی نمی‌دارند (گافمن، ۱۳۸۶: ۳۹).

مطابق تعریف مطرح شده از این اصطلاح، تصور می‌شود یک فرد DAG خورده انسان کاملی نیست و بر همین اساس انواع تبعیض‌های مختلف بر روی اعمال می‌شود و به شکلی کارآمد - شاید هم اغلب از روی بی‌فکری - فرصت‌های زیستی اش کاهش می‌یابد. درواقع یک نظریه DAG ننگ ساخته می‌شود، یک ایدئولوژی که پست بودن فرد را تبیین می‌کند و دلیلی برای خطرناک‌بودنش در اختیار می‌گذارد (گافمن، ۱۳۸۶: ۳۴-۳۵).

DAG ننگ دارای تاریخ مختص به خود است؛ تاریخی که کنش اجتماعی هدفمند به طور

1. Erving Goffman's Theory of Social Stigma
2. Hannah Arendt's Theory of Totalitarianism

مرتب آن را تغییر می‌دهد. فرایند داغ ننگ کارکردهای خاصی دارد که با توجه به نوع آن فرق می‌کنند. داغ زدن به آن‌هایی که در گروه‌های خاص نژادی و مذهبی و قومی عضویت دارند، ظاهراً ابزاری برای حذف این اقلیت‌ها از عرصه‌های گوناگون رقابت است (گافمن، ۱۳۸۶: ۲۳۱-۲۳۲). داغ ننگ قومی و قبیله‌ای از انواع داغ‌هایی است که مربوط به نژاد و ملیت و مذهب است. این گونه داغ ننگ‌ها می‌توانند در مسیر نسل‌ها انتقال یابد و تمام اعضای یک خانواده را یکسان آلوده کند (گافمن، ۱۳۸۶: ۳۴).

فرد داغ‌خورده خود را کسی تعریف می‌کند که گویی هیچ تفاوتی با سایر انسان‌ها ندارد، در حالی که هم‌زمان خودش و افراد پیرامونش او را انسانی مجزا شده می‌نگرند. با توجه به این تناقض اساسی که فرد در عمق خویشتن خویش احساس می‌کند، روشن است که برای خروج از این دوراهی اقدام خواهد کرد. یگانه آرزوی او این خواهد بود که با یافتن آموزه‌ای خاص، به تعریف و معنای ثابتی از هویتش دست یازد (گافمن، ۱۳۸۶: ۱۸۹)؛ بنابراین افرادی که در داشتن یک داغ ننگ اشتراک دارند، مبنای اجتماعی را که به لحاظ محیطی تا حدی همگن است فراهم می‌آورند و نوعی از زندگی و شکل‌بندی‌های اجتماعی با انواع کارکردها را ایجاد می‌کنند و از کارگزاران و عاملانی که نمایندگی‌شان را بر عهده می‌گیرند، حمایت می‌کنند (گافمن، ۱۳۸۶: ۵۶-۵۹).

این شکل‌بندی‌ها و گروه‌ها فلسفه زندگی و انسان‌بودن اشخاص داغ‌خورده را تغذیه می‌کنند. یکی از این گروه‌ها، تجمعی است که به دست همدردان فرد شکل می‌گیرد و مدعی می‌شوند این همان گروهی حقیقی است که فرد بدان تعلق دارد و سایر گروه‌ها و جوامع غیرواقعی هستند و فرد واقعاً یکی از اعضای آن‌ها نیست. اگر فرد به گروهش روی آورد، فردی بالاصلت و وفادار تلقی می‌شود و اگر از آن روی گرداند، فردی بزدل و احمق معرفی می‌شود. افرادی که موضعی درون‌گروهی اتخاذ می‌کنند ممکن است روش ستیزه‌جویانه و متعصبانه‌ای را برگزینند. فرد داغ‌خورده با چنین روشی از ارزش‌ها و عملکردهای خاص و مسلم پنداشته شده دسته همتایانش دفاع خواهد کرد (گافمن، ۱۳۸۶: ۱۹۳-۱۹۴).

توتالیتاریسم

پیش از پرداختن به مبحث توتالیتاریسم باید به این نکته اشاره کرد که در اینجا مدنظر نویسنده‌گان،

ویژگی‌ها و پیامدهای نظام‌های سیاسی توتالیتر نیست، بلکه تحلیلی فونکسیونالیستی از جنبش‌ها و افراد توتالیتر است. این مقاله با فرض و تصور گروه‌های تکفیری در قالب جنبشی توتالیتر، نگاهی فونکسیونالیستی به داعش دارد.

هانا آرنت در کتاب خود، «ریشه‌های توتالیتاریسم» تلاش خود را بر فهم دو پدیده سهمگین حاکم بر قرن ۲۰ یعنی نازیسم^۱ و استالینیسم^۲ معطوف و متمرکز کرد و با بررسی‌های ویژگی این نظام‌ها، به آن‌ها دولت توتالیتر نام نهاد. او معتقد بود برای فهم توتالیتر باید به روان‌شناسی توده‌ها پرداخت. توده به مجموعه‌ای از افراد بی‌هویت و سرگشته اطلاق می‌شود که در هر کشوری وجود دارند و طیف گسترده‌ای از افراد ختنی و لاقدید سیاسی را شامل می‌شوند. این افراد نیازی به رد استدلال‌های مخالف احساس نمی‌کنند و پیوسته روش‌های منتهی به مرگ را بر ترغیب برتری می‌دهند و بیشتر با زبان ارتعاب به جای بیان مقاعدکننده سخن می‌گویند (آرنت، ۱۳۶۶: ۴۲-۴۳). او معتقد است اتمیزه شدن از ویژگی‌های جامعه مدرن است و می‌نویسد ذره‌ذره شدن و انفراد اجتماعی شدید موجب الحق ملحق‌نشدگان سازمان‌نیافته به جنبش‌های توتالیتر می‌شود. ویژگی اصلی انسان توده‌ای نه سنگدلی و نه واپس‌گرایی، بلکه انزوا و نداشت روابط اجتماعی بهنگار است (آرنت، ۱۳۶۶: ۵۳). جنبش‌های توتالیتر سازمان‌های توده‌ای متشكل از افراد ذره‌ذره شده و جدا از هم است. این جنبش از فرد فرد اعضای خود وفاداری تمام و نامحدود و بی‌چون‌وچرا و دگرگونی‌ناپذیر می‌خواهد. این درخواست از این داعیه ایدئولوژیک آن‌ها مایه می‌گیرد که سازمانشان در زمان مقتضی، سراسر نژاد بشری را در بر خواهد گرفت. چنین وفاداری‌هایی را تنها می‌توان از انسان‌های کاملاً منزوی چشم داشت؛ انسانی که هرگونه پیوند اجتماعی‌اش بریده شده است و تنها از طریق تعلق به یک جنبش یا عضویت در حزب احساس می‌کند که در این جهان جایی دارد (آرنت، ۱۳۶۶: ۶۵).

کنش‌گرایی می‌تواند به پرسش دیرین و رنج‌بار «من کیستم؟» که در روزگار بحرانی باشد مضاعفی مطرح می‌شود، پاسخ تازه‌ای دهد. اگر پیش از این، جامعه بر این پاسخ تأکید داشت که «تو همان هستی که ظاهرًا باید باشی»، کنش‌گرایی جدید به این پرسش چنین پاسخ می‌دهد که «تو همان هستی که عمل کرده‌ای». یکی از این کنش‌ها که به منزله عالی‌ترین عمل

1. Nazism

2. Stalinism

توده‌ای تلقی می‌شود، جنگ است که باید هرگونه تفاوت فردی را از میان بردارد. خشونت و قدرت و جنایت استعدادهای والایی برای انسان‌هایی به شمار می‌آیند که جای‌شان را در این جهان گم کرده‌اند و در پی نظریه قدرتی هستند که آن‌ها را به جهان بازگرداند و با آن پیوندشان دهد (آرنت، ۱۳۶۶: ۷۹-۸۰).

توتالیترها، ترویریسم را با دید جدید می‌نگرند و آن را فلسفه‌ای سیاسی می‌دانند؛ فلسفه‌ای که ناالمیدی و خشم و بیزاری کوری را بیان می‌کند و بیانگر نوعی اظهار وجود سیاسی است؛ فلسفه‌ای که با شوق و ذوق در جست‌وجوی اشتهرار به اعمال پُرآوازه و در پی آن است که حتی به بهای جان خویش، وجود خود را بر جامعه تحمیل کند (آرنت، ۱۳۶۶: ۸۱).

جنبیش‌های توتالیتر در صدد هستند تا خود را در انتظار عامه موجه جلوه دهند و برای جلب هوادار بر ضرورت تبلیغ پافشاری می‌کنند. در این جنبیش‌ها، تبلیغ و ارتعاب دو روی یک سکه هستند (آرنت، ۱۳۶۶: ۹۷).

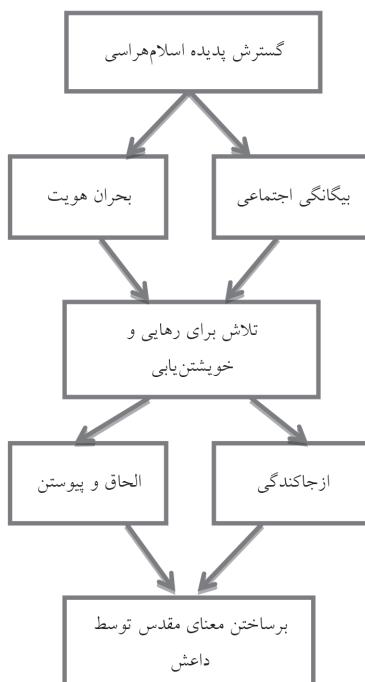
توده‌ها نه به چشم و گوش خود، بلکه به تخیلات‌شان اعتماد دارند و به خاطر دربه‌دری و پُر شدن پیمانه صبرشان، اسیر آرزوی گریز از واقعیت شده‌اند و به شدت مشتاق افسانه‌ها هستند. به عبارتی شورش توده‌ها در برابر واقع‌بینی عقل سليم و همه موجه‌نمایی‌های جهان، پیامد ذره‌ذره شدن و کم شدن پایگاه اجتماعی آن‌هاست (آرنت، ۱۳۶۶: ۱۱۷).

توده‌ها بر سر دوراهی رشد نابسامان خودسرانه تام تباھی، یا زانو زدن در برابر سازگاری شدید ساختگی و عجیب و غریب یک ایدئولوژی، همیشه دومی را برمی‌گزینند و آماده‌اند با ایشاره‌ای فردی بهای این انتخاب را پردازنند. این بدان خاطر نیست که آنان کودن یا شریرند، بلکه برای آن است که در بلای عمومی، این گریز از واقعیت، حداقل احترام به نفس را به آنان اعطای می‌کند (آرنت، ۱۳۶۶: ۱۱۸). جنبیش‌های توتالیتر با وعده‌های دروغین، بر ساختن جهانی بر اساس آیین‌های عقیدتی‌شان را وعده می‌دهند که بیشتر فراخور نیازهای ذهن بشر است تا واقعیت. در این جهان توده‌های بی‌ریشه از راه تخیل محض می‌توانند احساس امنیت کنند و از ضربه‌های پایان‌ناپذیری که زندگی و تجارت واقعی بر انسان‌ها و آرزوها یش وارد می‌کند، رهایی یابد (آرنت، ۱۳۶۶: ۱۱۹). این جنبیش‌ها بر محور یک افسانه کانونی می‌چرخد که در صدد هستند آن را به واقعیت بدل کنند.

داعش به مثابه جنبشی توتالیتر است که با تصویر کردن جامعه‌ای فرضی و خیالی (خلافت)

و وعده‌های دروغینی از بهشت هنجارمندی از طریق رسانه‌های مدرن، توانسته بسیاری از افراد بی‌خویشتن در جوامع غربی – به‌ویژه مسلمانانی که از داغ ننگ رنج می‌برند – را به خود جذب کند؛ چراکه آنان احساس می‌کنند با پیوستن به این گروه به معنا و آرامش دست خواهند یافت. در ادامه با ترسیم مدل مفهومی مقاله مبنی بر داعشی شدنِ جنگجویان غربی به توضیح مباحث مربوط می‌پردازیم.

نمودار شماره ۱. مدل مفهومی از غرب تا داعش



اسلام‌هراسی (بیگانگی اجتماعی، بحران هویت)

واگرایی و گستالت شهر وندان غربی از جوامع خود و رهیسپار شدن به میدان‌های جنگی مرگ‌آور نیازمند واکاوی و بررسی‌های جامعه‌شناسی از جوامع غربی و شناخت وضعیت و موقعیت افراد و نیروها و گروه‌های اجتماعی در بطن و متن ساختارهای اجتماعی است. مسلمانان مهاجر که با پدیده شوم اسلام‌هراسی^۱ مواجهند، یکی از این نیروها هستند که بررسی وضعیت زیستی آنان می‌تواند در فهم مسئله مورد نظر یاری‌گر ما باشد. برای این امر، ابتدا مقوله اسلام‌هراسی را بررسی می‌کنیم.

1. Islamophobia

اصطلاح اسلام‌هراسی به بی‌اعتمادی، نفرت، انزجار، حسادت، تبعیض، تعصب، نژادپرستی، کلیشه، ترس یا بیزاری نسبت به مسلمانان به عنوان یک گروه نژادی، قومی، زبانی، مذهبی اشاره دارد (خواجه‌سروری و بهرامی، ۱۳۹۳: ۸۹). این اصطلاح نشان‌دهنده وجود ترسی واهی در مخیله سیاست‌مداران و انسان‌های عادی است مبنی بر اینکه اسلام و مسلمانان برای فرهنگ و تمدن و مردم غرب، منشأ خطر و تهدید محسوب می‌شوند. این ترس نامعقول به مسلمان‌ستیزی و ناشکیبایی در برابر آنان در جوامع غربی دامن زده است (امامی و حسینی فائق، ۱۳۹۰: ۱۰۱). این پدیده به بازنمایی منفی از اسلام و مسلمانان از طریق کدگذاری آنان با مفاهیم کلی مثل خشونت و ترور و بنیادگرایی و غیرمتمندن بودن و غیرمدنی زیستن و همه عناصری می‌پردازد که به نوعی ضد هنجار انسانی و به طور خاص ضد هنجارهای غربی محسوب می‌شوند (مریدی و کرمی، ۱۳۹۳: ۱۱۴). تکثیر این روش تفکر مبنی بر مجرمانگاری همه مسلمانان در پهنه‌ای گسترده خطرناک است؛ زیرا ترویج‌دهنده تبعیض‌ها و پیش‌داوری‌های سیاسی و مذهبی و منزوی کردن افراد در جوامع غربی است که آنان را مستعد افراط‌گرایی^۱ می‌کند (بیانچی، ۲۰۱۵^۲: ۷۳).

دولت‌های غربی در فرایند سیاست‌های یکپارچه‌سازی و همانندسازی با ناکامی‌ها و ناکارآمدی‌های متعددی رویه‌رو هستند و کالبد اجتماعی جوامع غربی با رویکرد ما در برابر آن‌ها استخوان‌بندی شده است؛ به گونه‌ای که مسلمانان، به عنوان مخالفان غرب و ارزش‌های دموکراتیک و زیر سؤال برنده فرهنگ یکپارچه ملی درک می‌شوند و از این‌رو با چالش‌های مهم ادغام فرهنگی و سیاسی و اقتصادی و اجتماعی مواجه هستند. مسلمانان به دلیل تمایزهای فرهنگی غیر قابل استحاله‌شان از ملت غربی جدا می‌شوند و این جوامع به جای شکل دادن به هویت‌های جمعی مرکب از معانی متفاوت و مسئولیت در برابر غیریت‌ها، به سرکوب تفاسیر غیرهای غیر‌غربی و تفاوت‌ها روی آورده‌اند و این نارسایی‌های فرایند جذب فرهنگی در کشورهای غربی به جای تبادل دوطرفه فرهنگ غرب و اسلام به تقابل دوجانبه این دو فرهنگ با مشخصه‌هایی چون اصالت و خلوص و نسب (برای فرهنگ غرب) و بی‌ریشگی و پستی (برای فرهنگ اسلامی) منجر شده است؛ بنابراین نظام سیاسی و اجتماعی حاکم بر غرب غالب در تولید سیستمی مفصل‌بندی‌شده از ارزش‌های جهانی که بتواند به نفع همگان

1. Radicalism
2. Sergio Bianchi

عمل کند و برای حاشیه‌رفتگان جذاب باشد، ناتوان عمل کرده است (ازینوی و جاسی،^۱ ۲۰۱۵: ۴۲).

غرب از طریق ایده‌آل‌سازی فرهنگ غربی در قالب فرهنگی همگون، فرهنگ مهاجران پراکنده (از جمله مسلمانان) را سرکوب می‌کند (نش، ۱۳۹۴: ۱۰۵). هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی مسلط بر گفتمان حاکم جوامع غربی دوانگاری تمایزبخش را در خود آمیخته است؛ به گونه‌ای که خود را هویتی همگن برمی‌شمارند و مسلمانان را دگری فروdst تعریف می‌کنند و به آنان هویتی نازل و حقیر می‌بخشند و به عبارتی آنان را بی‌معنی و بی‌هویت می‌کنند. ژاک دریدا می‌نویسد: «تمام اندیشه‌های غربی زوج‌هایی از تضاد دوگانه تشکیل می‌دهند که در آن‌ها عضو برتر عضو دیگر را به حاشیه می‌راند» (اشرف نظری، ۱۳۸۷: ۳۲۰).

چهره عریان و خشن اسلام‌هراسی پس از ۱۱ سپتامبر آشکار و این اصطلاح به شکل گسترده در محافل علمی رایج شد و واژگان بدنام‌کننده‌ای چون تروریسم جهادی و تروریسم اسلامی و اسلام‌گرایی رواج یافت. گزارش مرکز مطالعات نژادپرستی و بیگانه‌ستیزی حاکی از آن است که در پی این حادثه، مسلمانان هدف خشونت روزافزون قرار گرفتند. این گزارش تأکید می‌کند پیش‌داوری‌های قبلی در مورد مسلمانان با این حادثه تشدید و آتش نفرت و خشونت شعله‌ور شد که شامل خشونت فیزیکی و تصویرسازی مخدوش و آزارهای کلامی و ایجاد فضای وحشت بود (شیرغلامی، ۱۳۹۰: ۱۰۰۴). در این راستا گفتمان‌های مسلط و حاکم بر رسانه‌های غربی بنا بر چندین خصیصه به بازنمایی و تصویرسازی از اسلام و مسلمانان پرداختند: ۱) تروریست خواندن مسلمانان؛ ۲) توصیف کردن مسلمانان با عنوانی‌نی چون دین خطرناک و عقب‌مانده و غیرعقلانی (بربر، وحشی، غیرمتمن، جنسیت‌گرا، خشن، ستیزه‌جو، تهدیدکننده)؛ ۳) اسلام فرهنگی متضاد است؛ ۴) اسلام در پی جنگ با غرب است؛ ۵) اسلام تهدیدی برای سبک زندگی غربی است (مور و دیگران، ۲۰۰۸: ۱۴). در نمودار زیر که بر اساس تحقیقات صورت‌گرفته در برخی کشورهای غربی از جمله، بریتانیا و آلمان و فرانسه تهییه شده است، می‌توان به میزان شدت این پدیده پی برد. در این بررسی اشاره شد که مشارکت‌کنندگان با سطوح بالایی از اسلام‌هراسی در رسانه و سایر سطوح جامعه رو به رو هستند که منجر به ایجاد مشکلات روانی و زندگی استرس‌زا برای آنان شده است (شورای

وزارت خارجه، ۱۳۹۳: ۲۰). اعداد ۱ و ۶ به ترتیب بیانگر پایین‌ترین و بالاترین سطوح اسلام‌هراسی هستند.

نمودار شماره ۲. میزان شدت اسلام‌هراسی در غرب (فرانسه، آلمان، بریتانیا)

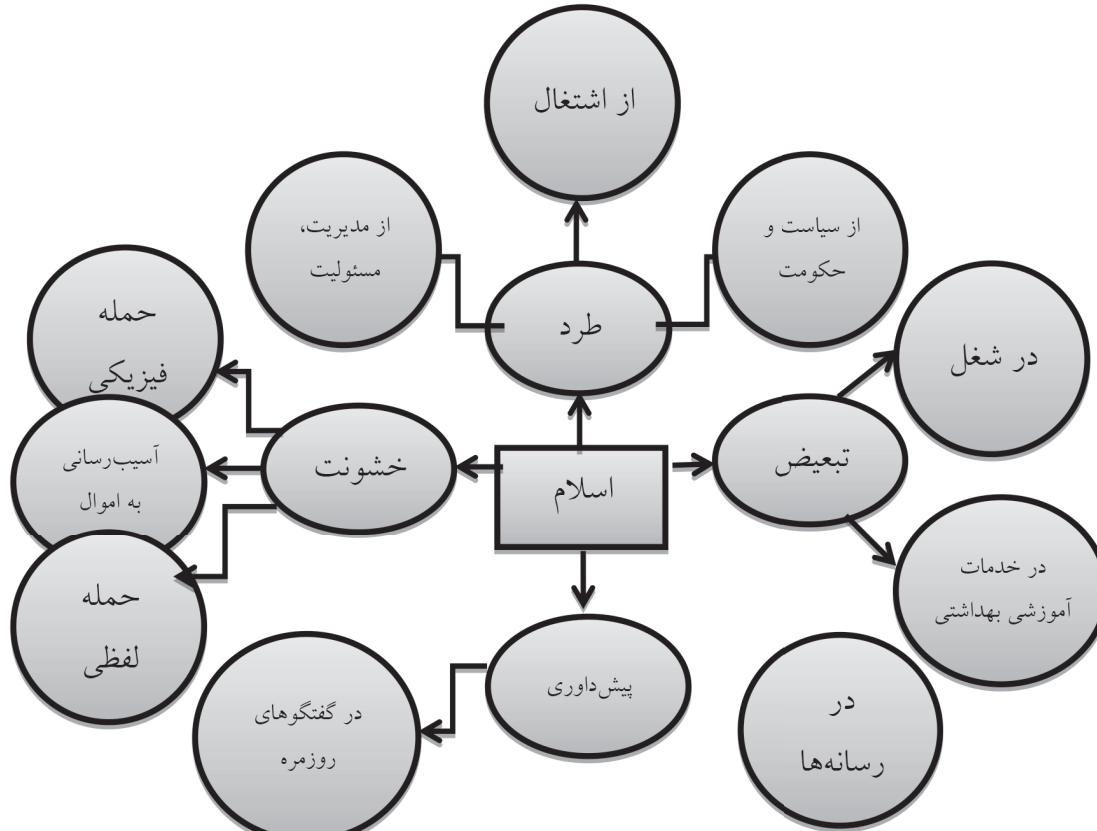


گستردگی ابعاد اسلام‌هراسی و سطوح مختلف آن را می‌توان به شکل زیر نشان داد (مریدی و کرمی، ۱۳۹۳: ۱۲۶):

شکل شماره ۱. ابعاد مختلف اسلام‌هراسی (برگرفته از گزارش اسلام‌هراسی: چالشی برای همه)

۱۶۵

بررسی پژوهشی پژوهشی خارجی به داعش



امروزه این پدیده و تبعیض در برابر مسلمانان گسترده شده است و علائم هویتی مسلمانان از جمله ممانعت و مخالفت در ساختن مراکز و مساجد دینی اسلامی و حملات مستقیم به سازه‌های اسلامی و قبرستان‌ها و یورش مستقیم به مسلمانان را شامل می‌شود که منبع بزرگی از نگرانی است. برای مثال در سال ۲۰۱۳ گروه آزادی مذهبی بین‌الملل ابراز داشت اقدامات و لفاظی‌های ضد مسلمانان در امریکا به وضوح افزایش یافته است. محدودیت‌های حکومتی همراه با دشمنی‌های اجتماعی منجر به انجام اقداماتی ضد مسلمانان شده است که با تأثیر سوء‌برآموزش و استخدام و امنیت شخصی، زندگی هر روزه بسیاری از مسلمانان را با مشکل رو به رو کرده است. این محدودیت‌ها به ویژه برای زنان در عرصه‌های عمومی بیشتر است. مؤسسه اروپایی ضد نژادپرستی در گزارشی می‌نویسد: «تبعیض ضد مسلمانان اغلب بزرگ‌تر از آن چیزی است که بر سایر مذاهب و اقلیت‌های قومی اعمال می‌شود و این تبعیض بر زنان به دلیل حجاب و جلبک نمود بارزتری دارد» (شورای وزارت خارجه، ۲۰۱۳: ۱۰). این الگوهای رفتاری آزاردهنده به ویژه برای زنان، موجب دامن زدن به حسی از فاصله و انزوا از فرهنگ و جامعه‌ای شده است که در آن زندگی می‌کنند (سالتمن و اسمیت،^۱ ۲۰۱۵: ۱۰). طی مطالعاتی که از ۲۲۲ مسلمان بریتانیایی به عمل آمد، مشخص شد احساس تبعیض غیرمستقیم و ضمنی آنان به ۸۷/۶ درصد و احساس تبعیض آشکار آنان به ۷۳/۳ درصد رسیده است (قنبرلو، ۱۳۸۹: ۱۰۹). در نمونه دیگری می‌توان به فرانسه اشاره کرد. این کشور با همه موقیت‌های فرهنگی در پروراندن هویت مشترک و جامع و شامل، همچنان سطوح بالایی از سوء‌ظن‌ها و قضاوت‌های تبعیض‌آمیز را نسبت به جوانان مسلمانی که در صدد ورود به حوزه‌های کاری هستند، اعمال می‌کند. رهیافت ویژه فرانسه به سمت سکولاریسم^۲ به معنای ردِ ایمان مسلمانان و بدگمانی به هویتشان است؛ بنابراین تعجب‌آور نیست که بیش از ۱۲۰۰ تن جوان فرانسوی عازم سوریه و عراق شده‌اند (بارتن، ۲۰۱۵: ۱۰۶). به رغم تلاش‌های دولتمردان فرانسه در برقراری ارزش‌های دموکراتیک و ترکیب کردن مسلمانان به درون همه بخش‌های زندگی ملی، کوچکانگاری مسلمانان در عرصه عمومی، رسانه‌ای، قانونی، حقوقی و سایر حوزه‌ها همچنان بالاهمیت باقی‌مانده است. تأثیر تبعیض‌های نژادی بر نسل‌های دوم

1. Erin Marie Saltman & Melanie Smith

2. Secularism

3. Greg Barton

و سوم مسلمانان فرانسه همچنان ادامه دارد و آنان به جای شهروند، مهاجر قلمداد می‌شوند؛ ازاین‌رو نابرابری‌های گستردۀای در بازار کار و سیستم آموزشی در مقایسه با سایرین بر آنان اعمال می‌شود که نارضایتی و احساس محرومیت را در میان آنان دامن زده است (ماخفی،^۱ ۲۰۱۵: ۲۱۱)؛ بنابراین در فرانسه و کشورهای غربی، مسلمانان نیروهایی درک می‌شوند که نمی‌توانند با ارزش‌های عمومی ترکیب شوند و اسلام همچنان تا حد وسیعی، یک مذهب واپس‌گرا شناخته می‌شود (ماخفی، ۲۰۱۵: ۲۱۵). از میان کشورهای غربی، شهروندان متسب به کشورهای فرانسه و بریتانیا در رتبه نخست جنگجویان جهادی داعش قرار می‌گیرند و بیشترین میزان مداخله را در بحران سوریه داشته‌اند و اغلب آنان از نسل‌های دوم و سوم مهاجران هستند (اسکیدمور،^۲ ۲۰۱۴: ۳۸؛ بارت، ۲۰۱۴: ۱۷).

بیگانگی اجتماعی و بحران معنا

هویت از سازه‌های ساختار اجتماعی است که بر اساس آن افراد به تعریف خویشن می‌پردازند. در جوامع غربی بسیاری از افراد به‌ویژه مسلمانان نقشی در ساختن پیکره و شبکه‌های روابط اجتماعی ندارند و ازاین‌رو مقوله هویت برای بسیاری از آنان به صورت صحیح و کامل شکل نگرفته و مفقود است؛ چراکه نوسازی^۳ و مناسبات اجتماعی ناشی از آن، برقراری روابط اشتراکی و همگانی را تخریب و در عوض منزوی شدن و تنها شدن انسان‌ها را تولید کرده است. در نقشه سیاسی جهان و پهنه فرهنگی حاکم بر جوامع غربی، مسلمانان خویشن را قربانیانی درک می‌کنند که بر اساس الگوهای رنجش‌آور و بدnam کننده، نادیده انگاشته می‌شوند و الگوهای غربی در پی شکل دادن به این پهنه و نقشه بدون توجه به آنان است؛ ازاین‌رو ساختارهای ستی معناساز و ارزش‌آفرین در جوامع غربی برای مسلمانان دچار انحطاط و اضمحلال شده و جامعه با تهدید و هجوم به خود آنان، وضعیت نامساعد و نابسامانی را بر آنان بار کرده است. به عبارتی ساختارهای قدرتمند هنجار و فرهنگ مسلط غربی، از رواج افتادگی و متروکی و منسخی بسیاری از فرهنگ‌های اقلیت را در پی دارد و سبب‌ساز بی‌قراری و آشفتگی هویتی و بی‌معنایی می‌شود. از بین رفتن توان فرهنگ غرب

1. Mansouria Mokhefi
2. Ms. J Skidmore
3. Modernization

در جایگزینی افراد در خود و افزایش آگاهی افراد و شناسایی فرهنگ غرب با گزارهایی چون لذت‌گرایی و مصرف‌گرایی و نژادپرستی و نابرابری و تحمیل‌کننده هسته ناسازگاری و تضاد میان سیستم‌های ارزشی، سبب می‌شود اشخاص نتوانند همبستگی خود را در درون این فرهنگ جاودانه و همیشگی کنند. اساساً فرهنگ اکثریت با انکار قاطع و تمایزگذاری و عدم شناسایی فرهنگ اقلیت و ترویج حسی از بیگانگی و دوانگاری نسبت به آن و عدم تمایل به تحقق بخشیدن به انتظارات و هنجرهای سایر گروه‌ها، الهام‌بخش احساسات ریشه‌کنی و فقدان تعلق است (awan, ۲۰۱۵: ۶۲).

گریز و رهایی (از جاکندگی و پیوستن)

بی‌توجهی اغلب جوامع غربی در مفصل‌بندی گفتمان لیبرال دموکرات^۲ و سکولار خود به مدلول‌های اسلامی از یک سو، و تنש‌های بینانسلی و نژادی حاکم بر این جوامع از سوی دیگر، تولید و بازتولید کننده حسی از ملالت و خستگی و فقدان تعلق و تعهد نسبت به جامعه در میان افراد است که زمینه‌های بی‌اعتباری و داغ‌زدگی آنان را فراهم می‌آورد؛ از این‌رو افراد در صدد فرار از این وضعیت و به دنبال معنای بزرگ‌تر و احترام‌بخش در زندگی هستند تا اعتبار از دست‌رفته خود را بازیابند و التیامی بر زخم‌ها و نارضایتی‌های خویش بنهند و آلام خویش را آرام بخشنند. فقدان یک پارادایم فرهنگی خوشایند و جذاب در جوامع غربی، امتناج شدید و در حال افزایش بیگانه‌ستیزی و اسلام‌هراسی، داغ‌زنی، از جاشدگی و بیگانگی فرهنگی، انزوای اقتصادی و اجتماعی و فقدان آزادی سیاسی که بسیاری از مسلمانان غربی با آن دست‌وپنجه نرم می‌کنند، آنان را به سمت تسکین گرفتن در هویت مذهبی هدایت می‌کند و به سادگی آنان را به یک سنگربندی و پیکربندی فرهنگی سوق می‌دهد که تحکیم‌بخش اصول و ارزش‌های مذهبی آنان پنداشته می‌شود. به عبارتی افرادی که همبستگی سنتی را از دست داده‌اند و در حال گسیختگی و بی‌هنجری هستند، به دنبال من‌ایدئال هستند تا خلا ناشی از احساس سرگشتشگی و حقارت را در آنان پُر کند (بشیریه، ۱۳۷۴: ۳۵۷).

جهاد‌گرایی می‌تواند سنگربندی جدید و ایدئال تلقی شود. در واقع اسلام رادیکال جهانی‌شده، به‌ویژه برای افراد مسلمان پراکنده مهاجر جذاب است، زیرا حس از جاکندگی

1. Akil. N. Awan

2. Liberal-democrat Discours

و فرهنگ‌زدایی آنان را مشروع جلوه می‌دهد و حسی از همبستگی قوی میان فرهنگ‌زدایی و ساخت‌یابی جدید مذهبی عرضه می‌دارد (اوan، ۲۰۱۵: ۶۳)؛ بنابراین کشورهای غربی که همواره جهان اسلام را فرهنگ غیر و بیگانه و در عین حال رقیب توانمند فرهنگی برای خود تلقی کرده‌اند (اشرف نظری و قنبری، ۱۳۹۳: ۱۷۰) زمینه‌های قدرتمند و بسترها باروری برای رشد تفسیر متعصب و پاک‌دینانه از دنیای اسلام دارند (سیسری،^۱ ۲۰۱۴: ۱۱۴) که خود امری تهدید‌آفرین و رعب‌آور برای جوامع غربی تلقی می‌شود؛ چراکه بسیاری از این افراد که به گروه جهادگرای داعش عزیمت می‌کنند، جوانان ایده‌آل‌گرا هستند که در دل حسی از انتقام و کینه‌جویی نسبت به جوامع تبعیض‌آفرین و داغ‌زننده غرب می‌پرورانند، زیرا نسبت به محیط اجتماعی غرب نامتجانس و بیگانه و سرخورده هستند (بايمان و شاپiro،^۲ ۲۰۱۴: ۲). من انتقام می‌گیرم و می‌کشم، پس هستم! آنان با این الگوی رفتاری مرگ‌آفرین در پی اثبات و نشان دادن اهمیت خود هستند. درواقع تجربه جنگ می‌تواند اشخاص نامعتبر را به انسان‌های معتبر تبدیل کند؛ زیرا ظرفیت زیادی برای تخریب همه توهمات اشتباه و نادرست دارد (شیخ،^۳ ۲۰۱۴: ۴۲).

توتالیت داعش، بر ساختن معنای مقدس

مناسبات نامناسب حاکم بر جوامع غربی و دونگاری و داغ‌زنی نسبت به گروه‌های اقلیت، گم‌گشتگی پایگاه اجتماعی و ذره‌ذره‌شدن تعداد کثیری را در پی دارد و منجر به انزوا و نداشتن روابط اجتماعی بهنجار برای آنان می‌شود؛ از این‌رو این افراد نه تنها احساس حقارت و داغ می‌کنند بلکه، احساس پوچی نیز دارند؛ بنابراین در صدد خلق و آفرینش جهانی هستند که احساس کنند در آن چیزی هستند و جایی دارند. گروه سلفی - جهادی داعش با بازنمایی اسطوره و افسانه خلافت و بر ساختن جهانی بر اساس آیین‌های عقیدتی مسلمانان، به تحرک قوه خیال و توهם این افراد دامن می‌زنند و آنان را به این نگرش و امیدار دارد که با پیوستن به آن می‌توانند از جهان بی‌معنا و ننگ‌آور رهایی یابند و به معنایی مقدس دست یازند. روایت داعش مبنی بر بازتأسیس خلافت، این هویت جدید مذهبی، نه تنها حسی از رسمیت و

-
1. Jocelyne Cesari
 2. Daniel Byman & Jeremy Shapiro
 3. Naveed S. Sheikh

شناسایی و تعلق فراهم می‌آورد، بلکه سازمانی برای تغییر زندگی افراد جوان است و آنان را از حالت عقب‌ماندگی و حاشیه‌نشینی و بی‌هدفی و ملالت و حقارت به درمی‌آورد و با بازگردن شکوه و جلال و افتخار به آنان، آنان را به قهرمانان جامعه بازپیکربندی شده‌جديد مؤمنان تبدیل می‌کند (اوan، ۲۰۱۴: ۶۸). از این‌رو داعش توتالیتر که در واقع ساخته بحران هویت است (نبوی و نجات، ۱۳۹۳: ۱۵۱) تداعی‌گر جامعه‌ای است که توده‌ها با قرار گرفتن در آن می‌توانند هویت از دست‌رفته خویش را بازیابند و معنایی اصیل برای خود برسازند و از این‌رو بدیلی جهان‌شمول در برابر نظم جهانی طردکننده و ستم‌پیشه و داغ‌زننده شکل دهنده. افراد خارجی به همراه داعش، جریانی واکنشی را هدایت می‌کند که هدف آنان برساختن هویت شخصی و اجتماعی بر اساس تصوراتی از گذشته و فرافکنند آن به یک آینده آرمانی و یوتوپیایی است تا بین‌سان بر روزگار تحمل ناپذیر حاضر غلبه کند (کاستلز، ۱۳۸۰: ۴۳). میا بلوم^۱ استدلال می‌کند که داعش با ترویج نوع جدیدی از یوتوپیا^۲ به افراد رهایی‌بخشی خیالی نشان می‌دهد و حسی به آنها می‌دهد که با پیوستن به داعش می‌توانند قدرتمند شوند و زندگی مهیجی داشته باشند و به انجام اعمال معنادار در زندگی پردازنند (پرسین، ۲۰۱۵: ۲۸).

جنگجویان خارجی غربی با پیوستن به داعش به هویتی انقلابی دست می‌یابند که می‌توانند به تغییر جهانی پردازنند که در آن فرهنگ غربی با دادن صفات بدنام کننده به مسلمانان خود را قبله عالم می‌پندارد. این افراد داعشی غرب را نه کانون تراویدن ارزش‌های فرهنگی بلکه، مرکز تخطیه فرهنگی و تخریب‌گر ارزش‌های اسلامی می‌انگارند و از این‌رو با داعیه تغییر تاریخ و بازنویسی آن با محوریت خویش و بازتعریف خود، در پی مرکزداری هنجرهای غربی از جهان هستی هستند تا از این طریق جایگزین قدرتمندی برای سیستم‌های حقوقی انسان‌ساخته ننگ‌آور غرب ایجاد کنند و از کژاندیشی و فساد اعتقادی سکولاریسم غرب جلوگیری کنند. خلافت معیاری است برای ایجاد جامعه فرضی میان مسلمانان سراسر جهان و نیروی محافظت‌کننده و آزادکننده که به مسلمانان کمک می‌کند تا به سرکوب و داغشان پایان دهند و با بازگردن قوانین خداوند، خط بطلانی بر این فاجعه بزرگ برکشند و تحت قانون

1. Mia Bloom
2. Utopia
. Anita Peresin

شریعت برای خویش زندگی شرافتمدانه‌ای ترسیم کنند (فورلو و دیگران،^۱ ۲۰۱۴: ۵-۱۰؛ هویل و دیگران،^۲ ۲۰۱۵: ۴).

جنگجویان خارجی به دنبال قدرت و موقعیت و نمایش خویش هستند و گروه داعش به این توده‌ها از طریق دروغ‌پردازی و افسانه‌پردازی، آنچه را دولت‌های غربی در انجام آن ناکام بوده‌اند، می‌بخشد و با شیفتگی و مسحور کردن آنان به قدرت تابناک شهرت، همبستگی هراس‌آمیزی را به بار آورده است. این گروه به خارجی‌ها احساس برتری می‌بخشد و برای احساسات مازوخیستی^۳ و دگرآزاری آنان مجازی لازم را فراهم می‌آورد و بر دفاع از شیوه‌های سنتی زندگی که تحت یورش همه‌جانبه قرار گرفته و بازگرداندن امنیت و شخصیت ازدست‌رفته تأکید می‌کند و بدین‌سان افراد می‌توانند از رهگذر کنش جمعی داعش‌ماب، حلقة مفقوده زندگی خویش را بازیابند. این افراد از طریق مردن و با مکان‌هایی مثل بهشت و زندگی جاوید پسامرگ به جای زندگی کسالت‌بار در کشورهای خودشان فریفته می‌شوند؛ بنابراین «خرده‌فرهنگ آرامش‌بخش جهادی» جوانان بسیاری را به داعش جذب می‌دارد. در این زمینه ام حمزه^۴ می‌گوید «زنان به ستوه آمده‌اند. بسیاری از آنان در جوامع غربی منکوب شده‌اند، اما اینجا تحت قانون الله ما محافظت می‌شویم و احساس آزادی داریم و برای نخستین بار در زندگی احساس راحتی می‌کنیم» (پرسین، ۲۰۱۵: ۲۷-۲۸).

ورود گسترده جنگجویان خارجی به داعش با پویش‌های طرد اجتماعی در غرب در پیوند است. به‌واقع مرداب غرق‌کننده جامعه حقیر‌کننده و شخصیت‌زدا، موجودیت فرد را مستهلك و نابود می‌کند و این امر نطفه گذار از جاکندگی افراد و گسیل شدن آنان می‌شود. این افراد به باز شکل دادن نظام اجتماعی مطلوب در سرزمین‌های خویش امیدوار نیستند؛ از این‌رو به مناطق حاشیه‌ای جهان اسلام مسافرت می‌کنند تا با نابودی دولت‌های ضعیف بی‌بهره از نهادهای حکومتی و فرهنگی، یک جامعه ناب الهیاتی برپا کنند (مالت، ۲۰۱۰^۵: ۱۱۰). این افراد، داعش را خالق نظم جدید سیاسی تلقی می‌کنند و از این‌رو ظهور جهادگرایی در منطقه

-
1. Bennet. R. Furlow & Kristin Fleischer & Steven R. Corman
 2. Carolyn Hoyle & Aalexandra Bradford & Ross Frenett
 3. Masochism
 4. Umm Hamze
 5. David Malet

ریشه در تمایلات ناکام‌مانده افراد برای تغییر اجتماعی و سیاسی و سرخوردگی آنان نسبت به اوضاع زیستی خود دارد. این افراد در درجه نخست بازتاب‌دهنده و منعکس‌کننده زمینه‌های سیاسی و اجتماعی جوامع خودشان هستند و جنگیدن در برابر بی‌عدالتی‌های حکومت سوریه انگیزه ضعیف‌تری محسوب می‌شود (گروه بحران بین‌الملل،^۱ ۲۰۱۵؛ گزارش‌های سنا،^۲ ۲۰۱۴: ۶-۱).

انگیزه این افراد از حسی از محدودیت و محصور بودن و احاطه شدن در فرهنگ غرب نشئت می‌گیرد. آن‌ها احساس می‌کنند قربانی یک سیستم غرب‌محوری شدند که در برابر منافع و چهارچوب‌های اجتماعی آنان ساخت و بنیاد یافته است (مالت، ۲۰۰۹: ۳۰)؛ سیستمی که علایق آنان را نادیده می‌گیرد و هیچ مسئولیتی در قبال آنان ندارد. این افراد چنین سیستمی و توسعه آن را تهدیدی برای بقا و جایگاه خود می‌دانند و از این‌رو تلاش می‌کنند در مسیر پیشروی آن انسداد ایجاد کنند و شبکه‌های جایگزینی برای نفوذ و اثرباری خود شکل دهند. برای مسلمانان سراسر جهان، در جهانی که غرب آرایش داده و با القای ارزش‌های ضداسلامی مسلط شده است، تنها دو راه جهاد یا پذیرش دائم شهروندی درجه دو وجود دارد. بسیاری از مسلمانان، انتخاب جهاد به جای سرسپردگی و تسليم را هم منطقی و هم افتخارآمیز می‌پنداشند (کیلکولن،^۳ ۲۰۱۴: ۲۱۹).

داعش برخلاف روابط سطحی و جعلی و بدنام‌کننده حاکم بر جوامع غربی، با تأکید بر خلافت، حسی از برادری و خواهری و همدلی و وفاداری را برمی‌انگیزند و جامعه‌ای ارزش‌مدار تولید می‌کند که حافظ ارزش‌های مشترک است و هویتی ممتاز و برجسته و زندگی هدفمند دنیوی و سعادتمند اخروی را به افراد وعده می‌دهد. مانند اغلب گروه‌های توتالیتر، این گروه نیز ساختی از اجتماع تساوی‌گرا و رسالت‌مدار در نظر دارد که در آن هر فرد با برخورداری از یک نقش، به امت خدمت می‌کند و در قبال آن پاداش دریافت می‌دارد. گاهی اوقات این پاداش یک پاداش الهی است و این دقیقاً همان چیزی است که داعش را به نوع خاصی از توتالیتاریسم تبدیل کرده است؛ گروهی که حلقه ارتباط بین امور لایزالی (آخرت)

1. International Crisis Group

2. Sana Dispatches

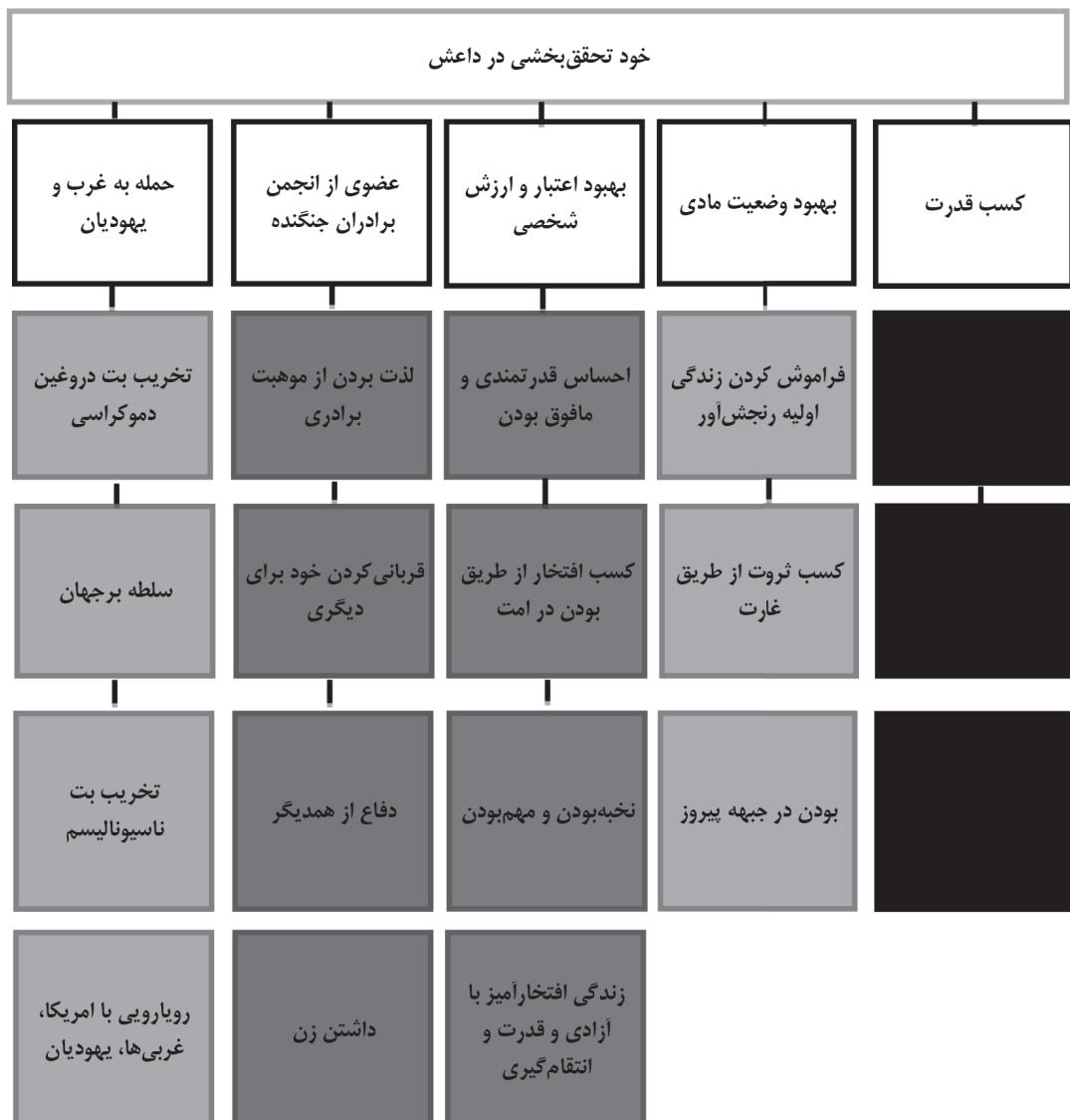
3. Davide Kilcullen

و زوال‌پذیری امور دنیوی است (القراؤی،^۱ ۲۰۱۵: ۱۵۸). به همین دلیل رزم‌آوران غربی داعش کشورگشایی‌ها و توسعه گروه را جشن می‌گیرند و آن را یک امپراتوری برمی‌شمارند که با توسعه به سراسر جهان، نظم جدیدی مبتنی بر پاک‌دینی برقرار خواهد ساخت و در این راستا فدا شدن برای آن نه پایان زندگی بلکه آغاز زندگی واقعی ابدی خواهد بود؛ بنابراین داعش یک دگردیسی است؛ دگردیسی در «اشخاص محلی شده محدود» به سمت «جهادگرایان جهانی جاوید». این دگردیسی، اشخاص را با مفهومی از قدرت می‌پروراند و منجر به خود واقعیت‌بخشی آنان می‌شود که در جوامع غربی میسر نبود. این افراد در پی نظم بخشیدن به خود بر اساس معیارها و ارزش‌های فرهنگی هستند و از این‌رو می‌توان آنان را «مسلمانان فرهنگی» توصیف کرد (عباس،^۲ ۲۰۱۵: ۵-۸) که خود تهاجمی فرهنگی از درون (رشد خزندۀ شبکه‌های تروریستی در جوامع غربی) و تهاجمی ژئوپلیتیک از بیرون محسوب می‌شود (ترایندو فیلیدو،^۳ ۲۰۱۵: ۱۳).

تحقیقی روی ۲۰۳۲ تن از جنگجویان غربی نشان داد آنان خواسته‌های انجام‌نشده متعددی برای تعریف خود دارند و درواقع پویندگان انتقام و کین‌خواهی و شأن و موقعیت و هویت هستند که جنگیدن در صفوف تکفیری‌ها عرضه‌کننده این مزايا و فرصت‌ها برای آنان است و برای پویندگان انتقام، یک ماجرا برای تخلیه و ختی‌سازی محرومیت‌های ناشی از سرکوب مسلمانان فراهم می‌آورد. برای جویندگان شأن، فراهم‌آورنده اشتهرار و اعتبار هم در میدان‌های جنگ سوریه و هم در سرزمین‌های اروپایی از طریق تکثیر تصاویر جنگجویان در اینترنت است. برای هویت‌جویان، منجر به شناسایی و به رسمیت شناختن آنان در ورای جوامع محلی می‌شود و برای پویندگان هیجان، حسی از ماجراجویی در مکانی متمایز به جای زندگی خشک و یکنواخت و خسته‌کننده در غرب ایجاد می‌کند (کارداس و اوزدمیر،^۴ ۲۰۱۴: ۱۲)؛ بنابراین می‌توان گفت جنگجویان خارجی دارای انگیزه‌ها و اهداف متعدد هستند که می‌توان آن را در قالب شکل زیر، البته با تأکید بر مسائل فرهنگی و هویتی و روانی نشان داد (عباس و دیگران، ۲۰۱۴: ۱۸۰).

-
1. Harith Hasan Al-Qarawee
 2. Tahir Abbas
 3. Anna Triandafyllidou
 4. Tuncay Kardas & Omer Behram Ozdemir

نمودار شماره ۴. انگیزه‌های رزم‌آوران خارجی از پیوستن به داعش



جمعیة دراسات العالم الإسلامي
Islamic World Studies Association
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهشی سیاسی جهان اسلام

۱۷۴

شماره اول، بهار ۱۳۹۵

نتیجه‌گیری

ایده‌های آزادی و برابری و برادری ملهم از انقلاب فرانسه نه تنها در زندگی بسیاری از مسلمانان جوامع غربی تعبیه نشده است و اجرا نمی‌شود، بلکه جای خود را به الگوها و ایده‌های تبعیض‌آور و تحریک‌کننده و داغ‌زننده برآمده از نوع نگاه مبتنی بر نژادپرستی و خودبرتری‌بینی فرهنگی داده است. استفاده از ادبیات نفرت در برابر مسلمانان و تحریر و تقبیح سیمای اسلام و مسلمانان در غرب، جهان زیستی پرتش و متشنجه را برای اغلب آنان به بار آورده است و با حک کردن صفات بدنام‌کننده بر جیبن آنان، فرصت‌های زیستی آنان را کاهش داده است و به‌واقع آن‌ها را گرفتار حیاتی معذب کرده است. این داغ و تباہی و عذاب که برآیندی از تبعیض‌های فرهنگی ساخت‌مند و نهادین و غیررسمی و پایمال‌شدن آرزوها و آمال مسلمانان در محیط غربی است، سبب‌ساز ذره‌وار شدن افراد در جامعه و بحران هویت شد که این امر خالق نگرش‌های آرمانی و خیالی در ذهن این افراد برای ازجاکنگی و گریز و تلاش جهت دست یازیدن به هویتی آرامش‌بخش است و آنان را تحریک می‌کند تا طرحی نو درافکرند. در این راستا، آسیب‌پذیر بودن و بی‌پناهی افراد آنان را در برابر ترغیب‌های خارجی منعطف می‌کند.

داعش؛ این سوداگران مرگ و رادیکال‌ترین واقعیت سال‌های اخیر، در کارزار بی‌معنایی و بازار هویت‌جویی، خویشتن را به عنوان یکتا کالای هویت‌بخش عرضه داشت و روح چنین وضعیت بی‌روحی معرفی کرد که افراد با الحاق به آن می‌توانند به سوزه‌ها و فاعلان دگرگون‌ساز تبدیل شوند؛ به عبارتی آنان با بهره‌گیری و یاری‌گیری از حافظه‌های تاریخی و جمعی مشترک و تشکیل نظام ناب خلافتی و عمل‌گرایی انتقام‌جویانه قهرمان‌گون می‌توانند از داغ و بی‌معنایی خارج شوند و بر اساس آموزه‌های اسلامی و قانون شریعت به معنایی مقدس برسند. درواقع داعش توتالیتار، با بازنمایی برقراری نظامی جهان‌گستر از ایده‌های مسلمانان و برقراری سازمانی که در زمان مقتضی سراسر نژاد بشری را در بر خواهد گرفت، به افراد حداقلی از احترام و اعتماد به نفس عطا می‌کند و آنان را از وضعیت «کم‌بودگی» و «پست‌بودگی» به وضعیت «سوژه‌شدگی» و «مقدس‌شدگی» منتقل می‌کند؛ بنابراین جامعه داعش آفرین، از روابط رنجش‌آور تحمیل شده بر مهاجران مسلمان بسیار متفاوت و مناسب جلوه می‌کند. داعش با بهره‌گیری از نگرش‌های منفی موجود نسبت به مسلمانان در غرب،



۱۷۵

پژوهشی پژوهشی پژوهشی پژوهشی پژوهشی

حسی از امید و رهایی بخشی را در آنان زنده و آنان را به از جا کنندگی ترغیب می‌کند. به عبارتی ناکامی دولت‌های غربی در تحکیم و تأسیس هویت‌های ملی جامع و فراگیر و متساهم سبب شده تا داعش به بهره‌گیری از این وضعیت تنش‌زا بپردازد و شکاف میان جوامع بی‌قرار و سرکش را با دولت‌های غربی افزایش دهد (گمبر،^۱ ۲۰۱۵: ۴). در مجموع تنش‌ها و متروکی و انفصالت‌های محلی در جوامع غربی منجر به اتصال و پیوست جهانی این افراد در توتالیتر تقدس‌آفرین نوساز داعش شده و از این طریق هویت‌های ضایع شده و فراموش شده می‌توانند به هویت‌های جهانی و فراملی به متن آمده مشروع تبدیل شوند که خود انگیزه‌ای مهم‌تر از مسائل مادی و اقتصادی است؛ بنابراین می‌توان این پدیده را ناشی از دو عامل مرکب هول‌دهنده و کشنده دانست: غرب هویت‌زدا – داعش هویت‌زا.



۱۷۶

شماره اول، بهار ۱۳۹۴

1. Harleen Gambhir

کتابنامه

- آرنت، هانا (۱۳۶۶). *توتالیتاریسم؛ حکومت ارعاب و کشتار و خفغان*. (ترجمه: محسن ثلاثی). چاپ دوم. تهران: جاویدان.
- بشيریه، حسین (۱۳۹۰). *جامعه‌شناسی سیاسی؛ نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی*. چاپ ۱۹. تهران: نشر نی.
- خواجه‌سروری، غلامرضا؛ بهرامی، سمیه (۱۳۹۳). *تحلیل روابط ایران و عراق بر اساس گفتمان ایران‌هراسی*. فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام. شماره ۴. صص ۸۳-۱۰۶. DOI: 10.20286/priw-040483
- سید امامی، کاووس؛ حسینی فائق، سید محمدمهدی (۱۳۹۰). *زمینه‌های رشد اسلام‌هراسی ساختمند در بریتانیا*. دو فصلنامه علمی - پژوهشی دانش سیاسی. شماره ۲. صص ۹۹-۱۳۲.
- شیرغلامی، خلیل (۱۳۹۰). *اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی: ده سال پس از حادثه ۱۱ سپتامبر*. فصلنامه سیاست خارجی. شماره ۳. صص ۹۹-۱۰۲۲.
- قبرلو، عبدالله (۱۳۸۹). *۱۱ سپتامبر و گسترش پدیده اسلام‌هراسی در غرب*. جستارهای سیاسی معاصر. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. شماره ۲. صص ۱۰۳-۱۲۲.
- کاستلن، مانوئل (۱۳۸۰). *عصر اطلاعات: اقتصاد و جامعه و فرهنگ؛ قدرت هویت* (ترجمه: حسن چاوشیان). جلد ۲. چاپ ۱. تهران: طرح نو.
- گافمن، اروینگ (۱۳۸۶). *DAG ننگ؛ چاره‌اندیشی برای هویت ضایع شده* (ترجمه: مسعود کیانپور). تهران: مرکز.

- مریدی، بهزاد؛ کرمی، محمدسجاد (۱۳۹۳). *اسلام‌هراسی در روسیه: ریشه‌ها و چالش‌ها*. مطالعات جهان اسلام. شماره ۴. صص ۱۱۱-۱۳۶.
- نبوی، سید عبدالامیر؛ نجات، سیدعلی (۱۳۹۳). *جریان‌شناسی گروه‌های نو سلفی سوریه بر اساس تحلیل گفتمان*. فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام. شماره ۴. صص ۱۲۹-۱۶۲. DOI: 10.20286/priw-0404129
- نش، کیت (۱۳۹۴). *جامعه‌شناسی سیاسی معاصر؛ جهانی شدن و سیاست و قدرت* (ترجمه: محمدتقی دل‌فروز). چاپ ۱۳. تهران: کویر.
- نظری، علی‌اشرف (۱۳۸۷). *غرب و هویت و اسلام سیاسی: تصورات و پنداشته‌های غرب از اسلام*. فصلنامه سیاسی. شماره ۱. صص ۳۱۷-۳۳۴.
- نظری، علی‌اشرف؛ قبری، لقمان (۱۳۹۳). *شکاف‌های فرهنگی و منازعات ایدئولوژیک در کشورهای عرب خاورمیانه با تأکید بر تحولات سیاسی ۲۰۱۰-۲۰۱۴*. فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام. شماره ۴. صص ۱۶۳-۱۸۴. DOI: 10.20286/priw-0404163

Abbas, Ali. E. & Others (2014). Objectives and Scenarios for ISIL. in Multi-Method Assessment of ISIL. A Strategic Multilayer Assessment (SMA), Periodic Publication.



۱۷۷

پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام
فصلنامه علمی-پژوهشی

- Abbas, Tahir (2015). Preventing Islamophobia and Radicalisation. Council of Europe. Strasbourg. France.
- Azinovi, Vlado & Muhamed Jusi (2015). The Lure of The Syrian War: The Foreign Fighters' Bosnian contingent. Atlantic Initiative.
- Awan, Akil. N. (2015). Religion, Youth and the Effect of ISIS Narrative on Radicalisation in the West, in "From The Desert To World Cities, The new Terrorism". Konrad-Adenauer-Stiftung.
- Al-Qarawee, Harith Hasan (2015). The Discourse of ISIS: Messages, Propaganda and Indoctrination. In: Twitter and Jihad: the Communication Strategy of ISIS. The Italian Institute for International Political Studies.
- Barrett, Richard (2014). Foreign Fighters in Syria. The Soufan Group.
- Barton, Greg (2015). Islamic State, Radicalisation and the Recruitment of Foreign Fighters in Australia: The Pull to Make Hijrah from the Lucky Country to God's Nation, in: From The Desert To World Cities, The new Terrorism. Konrad-Adenauer-Stiftung.
- Bianchi, Sergio (2015). Is Islamism a Threat? A new comprehensive model to counter the obscure heart of radicalism. Agenfor Italia.
- Briggs, Rachel obe & Tanya Silverman (2014). Western Foreign Fighters Innovations in Responding to the Threat. Institute for Strategic Dialogue.
- Byman, Daniel & Jeremy Shapiro (2014). Be Afraid. Be a Little Afraid: the Threat of Terrorism From Western Foreign Fighters in Syria and Iraq. Foreign Policy at Brookings.
- Council of Foreign Ministers (2013). Sixth Oic Observatory Report on Islamophobia. Conakry, Republic of Guinea.
- Cesari, Jocelyne (2014). Understanding the Dynamics of ISIL Mobilization: The Challenge of Foreign Fighters. In: Multi-Method Assessment of ISIL. A Strategic Multilayer Assessment (SMA) Periodic Publication.
- Furlow, Bennet. R & Kristin Fleischer & Steven R. Corman (2014). De-Romanticizing the Islamic State's Vision of the Caliphate. Arizona State University.
- Gambhir, Harleen (2015). Isis Global Intsum. Institute For the Study of War.
- Hoyle, Carolyn & Alexandra Bradford & Ross Frenett (2015). Becoming Mulan? Female Western Migrants to ISIS. Institute for Strategic Dialogue.
- International Crisis Group (2015). Syria Calling: Radicalisation in Central Asia. Policy Briefing.
- Kardas, Tuncay & Omer Behram Ozdemir (2014). The Making of European Foreign Fighters Identity, Social Media and Virtual Radicalization, See: Foundation for

Political, Economic and Social Research.

- Kilcullen, Davide (2013). Out of The Monutains: The Coming Age of The Urban Guerrilla. Oxford University Press.
- Moore, Kerry & Paul Mason & Justin Lewis (2008). Images of Islam in the UK The Representation of British Muslims in the National Print News Media 2000-2008. Cardiff School of Journalism. Media and Cultural Studies.
- Malet, David (2010). Why Foreign Fighters? Historical Perspectives and Solutions. Elsevier Limited on behalf of Foreign Policy Research Institute.
- Malet, David (2009). Foreign Fighters: Transnational Identity in Civil Conflicts. The Columbian College of Arts and Sciences.
- Mokhefi, Mansouria (2015). France after Paris: Domestic Radicalization and Policy Responses, in: From The Desert To World Cities, The new Terrorism. Konrad-Adenauer-Stiftung.
- Neumann, Peter R. (2015). Western Jihadists in Syria and Iraq: A Preliminary Overview. In: From The Desert To World Cities, The new Terrorism. Konrad-Adenauer-Stiftung.
- Peresin, Anita (2015). Fatal Attraction: Western Muslimas and ISIS. Perspective on Terrorism. Vol. 9. No. 3.
- Saltman, Erin Marie & Melanie Smith (2015). Till Martyrdom Do Us Part' Gender and the ISIS Phenomenon. Institute for Strategic Dialogue.
- Sana Dispatches (2014). Foreign Jihadism in Syria The Islamic State of Iraq and al-Sham. Security Assessment In North Africa.
- Sheikh, Naveed S. (2015). Five Charges in the Islamic Case against the Islamic State. In: From The Desert To World Cities, The new Terrorism. Konrad-Adenauer-Stiftung.
- Skidmore, Ms. J. (2014). Foreign Fighter Involvement in Syria. International Institute for Counter Terrorism.
- Triandafyllidou, Anna (2015). European Muslims: Caught between Local Integration Challenges and Global Terrorism Discourses. Istituto Affair Internazionali.

به این مقاله این گونه استناد کنید:

کریمی مله، علی؛ گرشاسبی، رضا (۱۳۹۴)، «بررسی چرایی پیوستن جنگجویان خارجی به داعش» فصلنامه پژوهشگاه سیاسی جهان اسلام، س، ۵، ش، ۱، بهار، صص ۱۵۵ - ۱۷۹.